

# کمونیسم

## و سندیکاهای کارگری

در شماره های قبلی باین نتیجه رسیدیم که در ایران بطور کلی سندیکاهای اصیل کارگری تشکیل نشده ، فقط عدهائی که مدعی بودند کمونیست هستند تحت عنوان اتحادیه های کارگری سازمانهایی بوجود آورده و از نیروی متشکل کارگر برای اجرای مقاصد سیاسی و شخصی خود بهره برداری نموده اند. برای توضیح بیشتر مطلب و تجسم واقعی مبارزات گذشته کارگران ایران لازم است دو موضوع را بدانیم :

**اولا -** هدف سندیکاهای اصیل کارگری بطور کلی و خلاصه چیست؟  
**ثانیا -** کمونیست ها چه منظوری از تشکیل و تقویت سندیکا های کارگری دارند ؟

**هدف سندیکاهای اصیل کارگری را میتوان در چند اصل خلاصه نمود :**  
**اصل اول -** مبارزه برای بهبود شرایط زندگی کارگران و تامین آئینه و زمان بیکاری آنان .  
**اصل دوم -** مبارزه برای تقلیل مدت کار و ازدیاد مزد و بهبود شرایط کار.

**اصل سوم -** جلوگیری از ظلم و تعدی کارفرمایان و دفاع از منافع صنفی کارگران در مقابل آنان .

**اصل چهارم -** مبارزه برای دخالت و داشتن نقش موثر در سازمان های اقتصادی و نیروی انسانی کشور ، برای حمایت از محصولات داخلی و حفظ تعادل عرضه و تقاضا ، جهت جلوگیری از تعطیل کارخانجات و بحران بیکاری. **اصل پنجم -** مبارزه برای تکامل صنایع و مدرنیزه شدن ماشین آلات برای مرغوبیت کمی و کیفی کالا جهت امکان رقابت با کالای مشابه خارجی و ازدیاد تولید برای سطح زندگی بالاتر .

با توجه باصول فوق الذکر برای هر فرد اجتماعی مسلم است که تشکیل سندیکاهاى اصیل کارگری و رهبری و هدایت صحیح آنان، نه اینکه مخالف ترقی و تکامل جامعه نبوده و لطمه بدموکراسی و آزادی ننیزند، بلکه سبب میگردد که نیروی میلیون ها کارگر در سندیکاهاى اصیل متشکل شده و نقش مؤثری در راه ترقی و تکامل جامعه ایفاء نماید.

تحقق موجودیت سندیکاهاى اصیل کارگری فقط بضرر عده معدودی از کارفرمایان میباشد که قادر به درک تحول زمان نبوده و پابند هیچگونه اصول انسانی نیز نمیباشند و حاضرند تمام توده مردم را برای تأمین نظریات شخصی خود فدا نمایند. این عده معدود سرمایه داران، بجای کوشش برای مدرنیزه نمودن ماشین آلات جهت بدست آوردن سود بیشتر همیشه سعی مینمایند با فشار بیشتر به کارگران آن سود را بدست آورند.

خوشبختانه در عصر حاضر رهبران اجتماعی جامعه دموکراسی اکثراً متوجه این نکات بوده و با کنترل دقیق وسائل تولید و حمایت صاحبان آنان برای تکمیل نمودن ماشین آلات مؤسساتشان مانع از اعمال چنین ظلم و تعدی بکارگران میگردند.

اگر هنوز در بعضی از مؤسسات تولیدی کشور ما این موضوع کاملاً صدق پیدا نکرده، با تحولی که درپیش است امید میرود هرچه زودتر این نقیصه در کشور ما نیز برای همیشه از بین برود.

سندیکاهاى اصیل کارگری در هر موقعی که لازم باشد بطور اصولی و با رعایت کلیه جوانب امر بدون آنکه عده کارگر بیگناه را بمقابل گلوله های مسلسل روانه نمایند، برای تأمین هدف های سندیکا و خواست های کارگران اقدام نموده اند. و عندالزوم در صورت عدم تسلیم بعضی از کارفرمایان که قادر بدرک شرایط زمان و مکان نبوده و نفع شخصی خود را به طبقه کارگر و صلاح جامعه ارجح شمرده اند با توسل باعتصاب قانونی و برخورداری از حمایت و وساطت دولت های دموکراسی بهدفع خود رسیده اند.

اینک باید دید منظور کمونیست ها از تشکیل و تأیید سندیکا های کارگری چیست؟

خواسته کمونیست ها درست نقطه مقابل هدف سندیکاهاى اصیل کارگری است و در اینمورد بهترین دلیل نوشتجات و اظهارات رهبران کمونیزم بین المللی میباشد و آنان چنان بی پرده، صریح و عریان این مطالب را نوشته و اظهار نموده اند که احتیاج بهیچگونه تعبیر و تفسیر ندارد.

چند جمله از رهبران کمونیزم بین المللی را برای نشان دادن مقصود و هدف کمونیزم عیناً نقل نموده و سپس به توضیح مطلب خواهیم پرداخت.

۱- « هشت ساعت کار و تقاضاهای دیگر کارگران باید از راه انقلابی خواسته شود. »

(جلد هشتم آثار لنین صفحه ۴۷)

۲- « مبارزه اقتصادی کارگران با صاحب کارها و دولت ، فروختن « نیروی کار با شرایط بهتری به کاپیتالیست‌ها است ، کارگران مبارزه نمیکنند که « نیروی کار خود را بسرمایه داران بفروشند ، بلکه منظور آنها مبارزه با « سرمایه‌داری و از بین بردن آن است . »

لنین

تاریخ مختصر حزب کمونیست (بلشویک) صفحه ۴۱

۳- « هیچ انقلاب بزرگی بدون جنگ داخلی و خون‌ریزی انجام « نشده است و تحول از کاپیتالیسم به سوسیالیسم بدون کشتار امکان پذیر نیست. »

لنین

۴- « تحول کاپیتالیسم به سوسیالیسم و نجات طبقه کارگر از فجایع « کاپیتالیسم بطریق تغییر بطنی و اصلاحات میسر نیست بلکه فقط از راه تغییر « کیفی اصول کاپیتالیسم و انقلاب امکان پذیر میباشد . »

استالین

(ماتریالیسم دیالکتیک صفحه ۱۰)

۵- « هر جامعه کهن هنگامیکه با جامعه نوین آستنن است زور برایش « ماما است . »

کارل مارکس

(جلد اول کاپیتال صفحه ۶۰۳)

۶- « برای نجات از حاکمیت سرمایه‌داری و تبدیل مالکیت خصوصی « بمالکیت اجتماعی خود بخودی ممکن نیست . طبقه کارگر برای رسیدن باین « مقصود باید در مقابل بورژوازی تبلیغ اصول انقلابی نموده و با انقلاب « پرولتاریا حکمرانی سیاسی خود را از دست استثمارچیان گرفته حکومت « بی طبقه کمونیسم را دائر نماید . »

مارکس و انگلس

نقل از تاریخ مختصر حزب کمونیست (بلشویک) صفحه ۱۳

این اصول و فلسفه و تاکتیک و استراتژی کمونیست‌ها است که هرخواسته را فقط از طریق انقلابی تامین نمایند . و کمونیست‌ها با هرگونه بهبود شرایط زندگی کارگران و دهقانان در رژیم دموکراسی شدیداً مخالف بوده و آن عمل

را خیانت بانقلاب میدانند. آنان هیچوجه میل ندارند بدون کشت کشتار و خونریزی کوچکترین تقاضای کارگران برآورده شود.

کمونیست ها بطور مطلق با هر نوع اقدام اصلاحی که منجر به بهبودی وضع توده مردم شود شدیداً مخالفند.

توجه باین اصول نشان میدهد که چرا آقایان با اصلاحات انجام شده سال های اخیر در این مملکت مخالفت ورزیده و برای تخطئه آن بهر وسیله متوسل میشوند.

کسانیکه از کمونیست ها غیر از این نوع مخالفت ها انتظار دیگری دارند، آنان اشخاصی هستند که نسبت به کمونیسم بیگانه بوده و کوچکترین اطلاع از اصول و فلسفه و تاکتیک و استراتژی کمونیسم ندارند.

بنا براین سندیکا های کارگری که به تحت رهبری کمونیست رفته و از آنان الهام بگیرند مطلقاً سندیکا بمفهوم واقعی کلمه نبوده بلکه يك سازمان سیاسی آلت دست اجرای مقاصد کمونیسم میباشد.

اگر رهبران جامعه و روشن فکران بدون اطلاع از ایده اولوژی کمونیسم چنین سازمان هائی را تأیید نموده و با آنان همکاری نمایند، باید اعتراف کرد که این دسته از روشن فکران در اسارت طبقه کارگر بدست دژخیمان کوشش نموده و به آزادی جامعه بشری ندانسته خیانت ورزیده اند.

مگر آنکه واقعاً با علم کامل از ایده اولوژی کمونیسم به اسارت بشریت در چنگال آنان مؤمن و معتقد باشند. در چنین شرایطی هم وظیفه روشن فکران معتقد به آزادی بشر و اصالت آن است که بکوشند آنان را از این ورطه هولناک نجات دهند.

تا اینجا اصول مبارزات سندیکاهای اصیل کارگری و سندیکای تحت رهبری کمونیست ها را بطور کلی تا حدودی روشن نمودیم اینک بشرح فعالیت کمونیست های ایران تحت عنوان اتحادیه های کارگری میپردازیم.

بعد از شهریور ماه ۱۳۲۰ کلیه زندانیان سیاسی که با اتهام کمونیستی بازداشت بودند از زندان آزاد شدند. این زندانیان از لحاظ سابقه فعالیت و مدت بازداشت از دو دسته مشخص تشکیل شده بودند.

**دسته اول** - زندانیان قدیمی بودند که بتدریج بعد از سال ۱۳۰۸ دستگیر و زندانی شده بودند.

**دسته دوم** - زندانیان جدیداً پنجاه و سه نفری بودند که تحت رهبری دکتر ارانی به فعالیت کمونیستی پرداخته و سپس دستگیر و بازداشت شدند.

این آقایان پس از استخلاص از زندان با آنکه همه آنان کمونیست بودند و در آن زمان هم هنوز اختلاف پکن و مسکو علنی نشده بود باز هم نتوانستند دسته جمعی در يك سازمان شروع به فعالیت نمایند.

بهمین لحاظ هر چند نفری دور هم جمع شده بناوین مختلف اتحادیه های کارگری تشکیل دادند .

ریشه این دسته بندی ها از زندان سرچشمه میگیرد و در زندان هر دسته ای از آنان دسته ای دیگر را منتهم به همکاری با پلیس و افساء اسرار و حتی خبلی چیز های دیگر . . . . مینمودند که خود داستان مفصل و از حوصله این مقال خارج میباشد .

بهر صورت این آقایان رهبران به سه دسته تقسیم شده و هر دسته توانست عده ای از کارگران را دور خود جمع کرده و ظاهراً اتحادیه کارگری تشکیل دهند .

**دسته اول** - چند نفر از کمونیست های قدیمی با عده ای از پنجاه و سه نفر ( که سوگند یاد کرده بودند سوابق همدیگر را در دوره زندان فراموش نمایند ) حزب منحل شده ایران را تشکیل داده و در جنب آن شورای مرکزی کارگران ایران را بوجود آوردند .

شورای مرکزی کارگران ایران که وابسته بحزب منحل شده ایران بود توانست عده ای از کارگران را در تهران - شاهی - زیرآب - بهشهر - چالوس - تبریز و اصفهان متشکل نماید .

نیرومندترین سازمان کارگری وابسته شورای مرکزی ، اتحادیه های کارگران اصفهان بود که بیش از ائکاء به شورای مرکزی به یکی از اعضای حزب متکی بوده و میتوان گفت بطور کلی فعالین آن اتحادیه از نامبرده الهام میگرفتند .

**دسته دوم** - کمونیست های قدیمی با چند نفر از پنجاه و سه نفر بودند که اتحادیه مرکزی کارگران ایران را تشکیل داده و روزنامه گیتی را هم بعنوان ارگان اتحادیه منتشر نمودند

اتحادیه مرکزی کارگران ایران در تهران - فیروز کوه - ورسک - پل سفید - بندر شاه - تبریز - آبادان تشکیلات داده و در تبریز و آبادان نیروی قابل توجهی بوجود آوردند .

**دسته سوم** - فقط آقای دکتر سلام الله جاوید بود که ناحمایت پیشه وری اتحادیه زحمتکشان ایران را تشکیل داده و فقط عده معدودی از کارگران را توانست در تهران متشکل نمایند .

گذشته از سه دسته فوق الذکر عده ای از کارگران راه آهن هم اتحادیه ای بنام ( کانون رانندگان و کارگران راه آهن ) تشکیل داده و در راه آهن سرتاسری ایران نفوذ قابل توجهی بدست آوردند .

موازی با تشکیل این اتحادیه های کارگری سازمان دیگری که ظاهراً صددرصد کمونیست بوده و حزب توده ایران را هم قبول نداشت بصورت ظاهر بطور

مخفی بوسیله یکی از زندانیان قدیمی که با اتهام جاسوسی هم زندانی بود تحت عنوان (کروژکیست‌ها) تشکیل گردیده و توانست عده معدودی از کارگران فعال تهران را جلب نموده و کارشکنی‌هایی در فعالیت‌های کارگری ایران بنماید. این خلاصه از نحوه تشکیل سندیکا‌های کارگری در ایران بود که آقایان در شروع کار، کارگران را به چند دسته تقسیم نموده آنان را بجان یکدیگر انداختند.

ممکن است بعضی‌ها بگویند در تمام دنیا ابتداء سندیکا‌های کارگری بصورت متعدد تشکیل شده و سپس سازمان واحدی تبدیل شده‌اند. این موضوع کاملاً صحیح است ولی منطبق با اوضاع و احوال ایران نمیباشد. چون در کشور ما مبارزات سندیکائی بوسیله عده‌ئی شروع گردید که تمامی آنان اذعان بکمونیست بودن خود داشته و لازم بود اتحادیه کارگری واحدی بوجود آورند.

بنابراین جنبش سندیکائی کارگران ایران از بین کارگران بطور طبیعی و اصیل برنخاسته بود که شایستگی رهبری طبقه زحمتکش کشور را بطور واحد و یکپارچه داشته باشد.

نتیجتاً این چند دستگی باصطلاح اتحادیه‌های کارگری موجود همان چند دستگی زندانیان سیاسی بود و کارگران ایران مطلقاً در این دسته بندی نقشی نداشته‌اند.

تا اینجا بطور خلاصه تشکیل اتحادیه‌های کارگری را در ایران در سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ توضیح دادیم اینک شمای از اعمال این رهبران رابرای جلب اعتماد و پشتیبانی کمونیزم بین‌المللی بنظر خوانندگان میرسانیم تا به بینند این آقایان کمونیست‌ها که مدعی هستند جان خود را در راه موفقیت طبقه کارگر فدا مینمایند چه بلاهاتی بسر کارگران آوردند. برای جلب اعتماد کمونیزم بین‌المللی حداقل دو شرط اساسی لازم بود.

اول - باید اثبات نمایند که آقایان مسلط به تئوری مارکسیسم و لنینیسم بوده و قادرند مبارزات سندیکائی را بمبارزات انقلابی تبدیل نمایند.  
دوم - عملاً نشان دهند که هیئت حاکمه و عمال امپریالیزم آنان رادشمن آشتی ناپذیر شناخته و مشغول مبارزه با آنان میباشند.

بنابراین هر دسته سعی مینمود هرچه زودتر مبارزات اقتصادی سندیکا‌های کارگری را بمبارزات سیاسی انقلابی تبدیل نماید.

چون ضمن این تبدیل مبارزه اقتصادی بمبارزات سیاسی انقلابی لازم بود بهرنحوی که ممکن باشد موضوع دوم یعنی دشمنی هیئت حاکمه و عمال امپریالیزم را نیز ثابت نمایند، لذا از هیچگونه تحریک که منجر بدخالت قوای نظامی شده و عده‌ای کارگر بیگناه قتل و عام گردد خودداری نمی‌نمودند. حوادث خونینی که از سال ۱۳۲۰ الی ۱۳۲۵ بارها در تهران -

اصفهان - تبریز - شاهی - کرمانشاهان - آبادان و غیره بوجود آمده و منجر به کشته شدن صدها نفر کارگر و دربدری خانواده آنان گردید نمونه‌ای از اقدامات این آقایان میباشد .

بالاخره کمونیزم بین‌الملل تصمیم گرفت باین داستان متعدد سندیکاهای کارگری در ایران خاتمه داده و آنها را بصورت واحدی برای اجرای مقاصد بعدی خود درآورد . لذا دستور وحدت اتحادیه های کارگری را بسازمانی که رهبران آن بیشتر مورد اعتماد بودند صادر نمود . این دستور باشعار وحدت اتحادیه های کارگری تحت لوای شورای متحده مرکزی از طرف شورای مرکزی کارگران ایران وابسته بحزب منحلّه توده ایران اعلام گردیده و متعاقب آن شورای متحده مرکزی بوجود آمد که شرح آن در شماره آینده بنظر خوانندگان خواهد رسید .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی